

انقلاب اسلامی

شبه ۹ خردادماه ۱۳۶۰ - ۲۵ رجب ۱۴۰۱ - ۳۰ مه ۱۹۸۱ - شماره ۵۵۱ سال دوم - ۸ صفحه - تک شماره ۱۵ ریال

پاسخ مهندس بازرگان به سخنگوی هیأت سه نفری

گفتگوی اختصاصی انقلاب اسلامی با رئیس زندانیان کشور
از گرفتن و کشتن قاچاقچیان نتیجه ای عاید نشد
قاچاقچیان را که در گذشته با ۲۰ کیلو مواد مخدر می گرفتیم امروز با ۴۰ کیلو دستگیر میشوند
در صفحه آخر

بر اثر عملیات دلاورانه نیروهای خودی عراق در کلیه جبهه ها متحمل خسارات سنگینی گردید



دشمن ناتوان، پاهو را بمباران و دزفول و آبادان را به توپ بست
در صفحه ۷

شیراز یکپارچه رئیس جمهور را در آغوش گرفت

احمد سلامیان در مخالفت با لایحه بودجه ۴۳ این بودجه نویسی برای کشوری است که قصد ستیز و مبارزه علیه قدرتهای اقتصادی و مالی جهانی را نداشته باشد
حسن آیت داد گستری راجع به آقای مبلغی اسلامی که احضارش کرد ولی هیچ اعتنائی نکرد چه کار کرده است
در صفحه ۲

مر از محاکمه نترسانید. این محاکمه، خود، انقلابی در تاریخ ایران است
● محاکمه من محاکمه ملتی است که بمن رأی داده اند
● من بعنوان رئیس جمهور منتخب شما، هیچ استقامتی غیر از استقامت شما ندارم
● کسی که آماده است در شن زار داغ خوزستان بمیرد، از سلول «اوین» نمیرسد
مسأله جنگ را مسأله اصلی می شناسم

شهادت هفتمین پیشوای شیعیان امام موسی بن جعفر (ع)
هنگامیکه محمداندرلسی (مادر امام موسی کاظم (ع)) در سفر حجبار خود را بر زمین گذاشت عالم به نور اسماعیلی دیگر از سلاله ابراهیم بنام موسی کاظم (ع) منور گشت.
امام که اسطوره ای از مقاومت عصر خویش بود در بیست سالگی به امامت رسید تا آخر عمرش با خاندان بیعیاس به مبارزه خود ادامه داد.
ما شهادت این فرزند پاک سلاله ابراهیم را به تمام شیعیان جهان و ملت غنور ایران و رزمندگان جبهه های جنگ و امام امت تسلیم میگوییم.

دیدار شورای عالی دفاتر هماهنگی سراسر کشور با رئیس جمهور
در صفحه آخر

ایستاده ایم

دست از طلب ندارم، تا کام من برآید یاتن رسد به جانان، یاجان زتن برآید بگشای تربیت را بعد از وفات و بنگس کزانتش درونم، دود از کفن برآید برای ما، هیچ دشوار نیست تا با جرحش قلمی و با گردش زبانی از سوز و سازها بگوئیم، و در واقع آنجا که از سوختن و ساختن باید گفت، کمتر کسی به اندازه ما سوخته است و ساخته است. اما چرا ساختیم؟ چه عاملی ما را از گشودن بند هائی که بر خود نهاده ایم - یابارمان جدا کند - و لا جودن روبرویی نهائی با جریان حاکم، باز داشته است؟ و سبب مدارای ما چیست؟ و... چه خواهیم کرد؟

امروز که این پرسشها، بیش از همیشه اذعان را بجانب خود مطوق کرده اند، سکوت و خاموشی زبینه نیست. حالی، مجالی فراهم آمده است و ما، بی آنکه اندیشه پرهیز و بیروا کنیم، به توضیح و بیان واقعیتها خواهیم ایستاد.

اگر سطور بالا، کار مقدمه را کرده باشند، می باید بی درنگ به وضعیت فعلی پرداخت. با اعتقاد است که اساسی ترین مسئله حاضر کشور، مسئله جنگی است که در صفحات غربی و جنوبی ایران جریان دارد. اینکه احوال مصیبت اقتصادی و جو خشونت داخلی، مسئله جنگ را امری ثانوی و فاقد اهمیت تعیین کنندگی جلوه داده است، در این واقعیت که سرنوشت جنگ با سرنوشت ایران و انقلاب پیوند خورد است، تغییری نمیدهد. یا در این جنگ پیروز میشویم و تازه به فوز برداختن به مصائب بیشتر جاری نائل خواهیم آمد و یا شکست میخوریم و آزادی و استقلال و یکپارچگی و تمامیت ارضی میهن و سرنوشت خود و نسل بی اقبال آینده را به تبااهی میکشاییم. اگر خواننده این استنتاج و ارزیابی را موافق نظر خود نمی یابد، لحظه ای تصور کند که خوزستان از دست رفته است. آیا بر ایران منتهای خوزستان - و یا هر استان دیگر - آینده ای، آینده ای با کترین امیدها، منصور است؟

بی شبهه، همه چیز به جنگ بازمیگردد. اما وضعیت جنگ چه بود و چه هست؟ ما به اجبار اندکی به عقب باز خواهیم گشت. توضیح پاره ای از واقعیتها اجتناب ناپذیر است. اما نباید آنرا بحساب همه واقعبینان منظور کرد. آنروز که جنگ خاتمه یابد، ملت ایران خواهد دانست که نیروهای مسلح این جمهوری و فرمانده کل قوا با چه امکانات و با چه خنجر از پشت خود رخنه های جنگ را پنهان کردند. امروز مجال و امکان بیان این حقایق میسر نیست. اما همه روز، امروز نیست.

این احساس که در بخش بعدی، بیش از حد به واقع و ما حاصل جنگ پرداخته میشود، احساس صادقی است. ولی ما، برای اینکه واقعبینان را از انطور هست، بی نظری خواننده بنهیم، راه دیگری نیافتیم. بهرحال این جاشیرویی، هر چند مقاله را از قالب و قواره خارج کرده است، چندان بی فایده نیست.

هنگامیکه نیروهای متجاوز عراق حمله تعرضی خود را با بیش از ۲۵۰ تانک بر ضد انقلاب و میهن ما آغاز کردند، در سراسر جبهه جنوب، ارتش ایران تنها ۲۸ دستگاه تانک قابل استفاده در اختیار داشت. آرایش دفاعی نیروهای مسلح در استان خوزستان به "همت" استاندار و انصارش بکلی از هم پاشیده بود.

افسران و درجهداران متخصص و ورزیده همه از ظرفیتها و پسته های تخصصی خود، برکنار شده بودند. جمعی در بازداشت بسر میبردند. روحیه و نظم و انتظام بیکباره از میان سربازان رخت بر بسته بود، و ارتش عراق در ساعات اولیه جنگ، با استفاده از همین تلاش و فروپاشیدگی ارتش، بخشهای عمده ای از مناطق مرزی و سرحدات جنوبی و غربی ایران را تحت اشغال درآورد. برآورد همه، شکست و تسلیم کامل جنوب، ظرف ۴ روز بود. دشمن در اینسوی در صفحه آخر

رئیس جمهور: قرارداد الجزایر شامل سه موافقت نامه است که دوم موافقت نامه آن اصلا منتشر نشده است

بگزارش خبرنگاری پارس از دهلینو ژنرال ضیاء الرحمن رئیس جمهور بنگلادش درآورد. یک سو قصد درگذشت. گذشته میشود صبح امروز رئیس جمهور بنگلادش که برای بازدید به بندر "چیتکنگ" واقع در جنوب این کشور رفته بود. خود را از وادی در ۲۷ مارس ۱۹۷۱ ابراه کرد. بعد از آزادی بنگلادش هیئت هشت نفره رسیدگی به جنگ ایران و عراق بود. خبر سو قصد بجان ضیاء الرحمن و درگذشت وی را کل ساد را احراز نمود و نیز خبرگزاری رويتر و فرانسه بعد از تغییر دولت در نوامبر ۱۹۷۵ به معاونت اقتصادی به علاوه بحران نظامی و در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۶ به فرمانداری نظامی رسید. در اولین انتخابات ریاست جمهوری ضیاء الرحمن ۷۲٪ کل آرا به ریاست جمهوری بنگلادش

غیر از استقامت شما ندارم و نمیتوانم هم داشته باشم. آنچه را که من نمیتوانم بشما بگویم، این است که آن رائی را که شما بمن داده اید، و آن اختیارات و مسئولیتهائی را که برعهده من گذاشته اید، از دست نخواهم داد و با استقامت تمام از آزادی، از استقلال و جمهوری اسلامی دفاع خواهم کرد.
ایران امروز در مرحله ای است که دشمن پس از ۹ ماه جنگ از سماه پیش به اینطرف دائم در حال شکست است و شما نیروهای مسلح در این پیروزیها نقش تعیین کننده ای داشته اید جنگ از هر نظر جنگ شرف و عجیب و در تاریخ بشری بیمانند است چرا؟ بدلالی که برای شما میاومد:
اما آمریکا بقول "آقای کیسنجر" که بعد از مراجعت از خاورمیانه در انجمن یهودیان آمریکا نطق کرده است) که گفته است، انقلاب ایران برای آنکه بتواند صادر شود، باید از موانع و مشکلات بسیاری عبور کنند.
آن موانع کدامند؟ و این هفت خوانی که آقای کیسنجر برای ما درست کرده است، کدامند؟ خود ایشان میگوید بحرانهای سیاسی و اقتصادی و منازعات قومی و مذهبی اختلاف مرزی با عراق و تازه اگر اینها را حل بکنند، در خلیج فارس با هر هسایگان خود مشکلات بزرگی خواهد داشت و بر فرض اینکه درحل آن مشکلات هم موفق بشود، زمانی موفق خواهد شد که اسرائیل به همه هدفهای خود رسیده است.
پس از نظر او (کیسنجر) آنچه در کشور ما بصورت جنگهای داخلی درگستان، کنبد، و جاهای دیگر چه در گذشته و چه درحال بروز کرده اند، جزئی از نقشه عمومی آمریکا برای خفه و خاموش کردن انقلاب اسلامی ما در زادگاه این انقلاب یعنی ایران است.
زمانی که گروهگانی پس داده شد، کلمه ای از قطعات بدکی در آن قرارداد بیان نیامد در نتیجه نیروی هوائی ما همچنان از آن قطعات محروم ماند. و این درباره سیاست آمریکا است و اما سیاست کشور های اروپائی:
همه شما کم و بیش میدانید که کشورهای نفت خیز درآمد ارزی جیبی دارند بازاری در حدود یکصد میلیارد دلار در سال است. البته کشورهای صنعتی که در بحران هستند، این بازار عظیم را برای خاطر من و شما، از دست نخواهند داد و وقتی که بخواهند انتخاب بکنند، بجای ما آنها را انتخاب خواهند کرد.
پس، در خارج وضعیت ما خوب نیست قدرتها و ابقرتها همه تق خود را در زبانو ضعف انقلاب مای بیبند اینهم درباره سیاست اروپا اما در منطقه (خاورمیانه):
عراق که بنا حمله کرده است. شیخ نشینهای خلیج فارس هم یا از روی رضایت و یا از روی اجبارا به او کمک میکنند کشورهای عربی هم

غیر از استقامت شما ندارم، تا کام من برآید یاتن رسد به جانان، یاجان زتن برآید بگشای تربیت را بعد از وفات و بنگس کزانتش درونم، دود از کفن برآید برای ما، هیچ دشوار نیست تا با جرحش قلمی و با گردش زبانی از سوز و سازها بگوئیم، و در واقع آنجا که از سوختن و ساختن باید گفت، کمتر کسی به اندازه ما سوخته است و ساخته است. اما چرا ساختیم؟ چه عاملی ما را از گشودن بند هائی که بر خود نهاده ایم - یابارمان جدا کند - و لا جودن روبرویی نهائی با جریان حاکم، باز داشته است؟ و سبب مدارای ما چیست؟ و... چه خواهیم کرد؟

امروز که این پرسشها، بیش از همیشه اذعان را بجانب خود مطوق کرده اند، سکوت و خاموشی زبینه نیست. حالی، مجالی فراهم آمده است و ما، بی آنکه اندیشه پرهیز و بیروا کنیم، به توضیح و بیان واقعیتها خواهیم ایستاد.

اگر سطور بالا، کار مقدمه را کرده باشند، می باید بی درنگ به وضعیت فعلی پرداخت. با اعتقاد است که اساسی ترین مسئله حاضر کشور، مسئله جنگی است که در صفحات غربی و جنوبی ایران جریان دارد. اینکه احوال مصیبت اقتصادی و جو خشونت داخلی، مسئله جنگ را امری ثانوی و فاقد اهمیت تعیین کنندگی جلوه داده است، در این واقعیت که سرنوشت جنگ با سرنوشت ایران و انقلاب پیوند خورد است، تغییری نمیدهد. یا در این جنگ پیروز میشویم و تازه به فوز برداختن به مصائب بیشتر جاری نائل خواهیم آمد و یا شکست میخوریم و آزادی و استقلال و یکپارچگی و تمامیت ارضی میهن و سرنوشت خود و نسل بی اقبال آینده را به تبااهی میکشاییم. اگر خواننده این استنتاج و ارزیابی را موافق نظر خود نمی یابد، لحظه ای تصور کند که خوزستان از دست رفته است. آیا بر ایران منتهای خوزستان - و یا هر استان دیگر - آینده ای، آینده ای با کترین امیدها، منصور است؟

بی شبهه، همه چیز به جنگ بازمیگردد. اما وضعیت جنگ چه بود و چه هست؟ ما به اجبار اندکی به عقب باز خواهیم گشت. توضیح پاره ای از واقعیتها اجتناب ناپذیر است. اما نباید آنرا بحساب همه واقعبینان منظور کرد. آنروز که جنگ خاتمه یابد، ملت ایران خواهد دانست که نیروهای مسلح این جمهوری و فرمانده کل قوا با چه امکانات و با چه خنجر از پشت خود رخنه های جنگ را پنهان کردند. امروز مجال و امکان بیان این حقایق میسر نیست. اما همه روز، امروز نیست.

رئیس جمهور: قرارداد الجزایر شامل سه موافقت نامه است که دوم موافقت نامه آن اصلا منتشر نشده است

بگزارش خبرنگاری پارس از دهلینو ژنرال ضیاء الرحمن رئیس جمهور بنگلادش درآورد. یک سو قصد درگذشت. گذشته میشود صبح امروز رئیس جمهور بنگلادش که برای بازدید به بندر "چیتکنگ" واقع در جنوب این کشور رفته بود. خود را از وادی در ۲۷ مارس ۱۹۷۱ ابراه کرد. بعد از آزادی بنگلادش هیئت هشت نفره رسیدگی به جنگ ایران و عراق بود. خبر سو قصد بجان ضیاء الرحمن و درگذشت وی را کل ساد را احراز نمود و نیز خبرگزاری رويتر و فرانسه بعد از تغییر دولت در نوامبر ۱۹۷۵ به معاونت اقتصادی به علاوه بحران نظامی و در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۶ به فرمانداری نظامی رسید. در اولین انتخابات ریاست جمهوری ضیاء الرحمن ۷۲٪ کل آرا به ریاست جمهوری بنگلادش

غیر از استقامت شما ندارم و نمیتوانم هم داشته باشم. آنچه را که من نمیتوانم بشما بگویم، این است که آن رائی را که شما بمن داده اید، و آن اختیارات و مسئولیتهائی را که برعهده من گذاشته اید، از دست نخواهم داد و با استقامت تمام از آزادی، از استقلال و جمهوری اسلامی دفاع خواهم کرد.
ایران امروز در مرحله ای است که دشمن پس از ۹ ماه جنگ از سماه پیش به اینطرف دائم در حال شکست است و شما نیروهای مسلح در این پیروزیها نقش تعیین کننده ای داشته اید جنگ از هر نظر جنگ شرف و عجیب و در تاریخ بشری بیمانند است چرا؟ بدلالی که برای شما میاومد:
اما آمریکا بقول "آقای کیسنجر" که بعد از مراجعت از خاورمیانه در انجمن یهودیان آمریکا نطق کرده است) که گفته است، انقلاب ایران برای آنکه بتواند صادر شود، باید از موانع و مشکلات بسیاری عبور کنند.
آن موانع کدامند؟ و این هفت خوانی که آقای کیسنجر برای ما درست کرده است، کدامند؟ خود ایشان میگوید بحرانهای سیاسی و اقتصادی و منازعات قومی و مذهبی اختلاف مرزی با عراق و تازه اگر اینها را حل بکنند، در خلیج فارس با هر هسایگان خود مشکلات بزرگی خواهد داشت و بر فرض اینکه درحل آن مشکلات هم موفق بشود، زمانی موفق خواهد شد که اسرائیل به همه هدفهای خود رسیده است.
پس از نظر او (کیسنجر) آنچه در کشور ما بصورت جنگهای داخلی درگستان، کنبد، و جاهای دیگر چه در گذشته و چه درحال بروز کرده اند، جزئی از نقشه عمومی آمریکا برای خفه و خاموش کردن انقلاب اسلامی ما در زادگاه این انقلاب یعنی ایران است.
زمانی که گروهگانی پس داده شد، کلمه ای از قطعات بدکی در آن قرارداد بیان نیامد در نتیجه نیروی هوائی ما همچنان از آن قطعات محروم ماند. و این درباره سیاست آمریکا است و اما سیاست کشور های اروپائی:
همه شما کم و بیش میدانید که کشورهای نفت خیز درآمد ارزی جیبی دارند بازاری در حدود یکصد میلیارد دلار در سال است. البته کشورهای صنعتی که در بحران هستند، این بازار عظیم را برای خاطر من و شما، از دست نخواهند داد و وقتی که بخواهند انتخاب بکنند، بجای ما آنها را انتخاب خواهند کرد.
پس، در خارج وضعیت ما خوب نیست قدرتها و ابقرتها همه تق خود را در زبانو ضعف انقلاب مای بیبند اینهم درباره سیاست اروپا اما در منطقه (خاورمیانه):
عراق که بنا حمله کرده است. شیخ نشینهای خلیج فارس هم یا از روی رضایت و یا از روی اجبارا به او کمک میکنند کشورهای عربی هم

غیر از استقامت شما ندارم، تا کام من برآید یاتن رسد به جانان، یاجان زتن برآید بگشای تربیت را بعد از وفات و بنگس کزانتش درونم، دود از کفن برآید برای ما، هیچ دشوار نیست تا با جرحش قلمی و با گردش زبانی از سوز و سازها بگوئیم، و در واقع آنجا که از سوختن و ساختن باید گفت، کمتر کسی به اندازه ما سوخته است و ساخته است. اما چرا ساختیم؟ چه عاملی ما را از گشودن بند هائی که بر خود نهاده ایم - یابارمان جدا کند - و لا جودن روبرویی نهائی با جریان حاکم، باز داشته است؟ و سبب مدارای ما چیست؟ و... چه خواهیم کرد؟

امروز که این پرسشها، بیش از همیشه اذعان را بجانب خود مطوق کرده اند، سکوت و خاموشی زبینه نیست. حالی، مجالی فراهم آمده است و ما، بی آنکه اندیشه پرهیز و بیروا کنیم، به توضیح و بیان واقعیتها خواهیم ایستاد.

اگر سطور بالا، کار مقدمه را کرده باشند، می باید بی درنگ به وضعیت فعلی پرداخت. با اعتقاد است که اساسی ترین مسئله حاضر کشور، مسئله جنگی است که در صفحات غربی و جنوبی ایران جریان دارد. اینکه احوال مصیبت اقتصادی و جو خشونت داخلی، مسئله جنگ را امری ثانوی و فاقد اهمیت تعیین کنندگی جلوه داده است، در این واقعیت که سرنوشت جنگ با سرنوشت ایران و انقلاب پیوند خورد است، تغییری نمیدهد. یا در این جنگ پیروز میشویم و تازه به فوز برداختن به مصائب بیشتر جاری نائل خواهیم آمد و یا شکست میخوریم و آزادی و استقلال و یکپارچگی و تمامیت ارضی میهن و سرنوشت خود و نسل بی اقبال آینده را به تبااهی میکشاییم. اگر خواننده این استنتاج و ارزیابی را موافق نظر خود نمی یابد، لحظه ای تصور کند که خوزستان از دست رفته است. آیا بر ایران منتهای خوزستان - و یا هر استان دیگر - آینده ای، آینده ای با کترین امیدها، منصور است؟

بی شبهه، همه چیز به جنگ بازمیگردد. اما وضعیت جنگ چه بود و چه هست؟ ما به اجبار اندکی به عقب باز خواهیم گشت. توضیح پاره ای از واقعیتها اجتناب ناپذیر است. اما نباید آنرا بحساب همه واقعبینان منظور کرد. آنروز که جنگ خاتمه یابد، ملت ایران خواهد دانست که نیروهای مسلح این جمهوری و فرمانده کل قوا با چه امکانات و با چه خنجر از پشت خود رخنه های جنگ را پنهان کردند. امروز مجال و امکان بیان این حقایق میسر نیست. اما همه روز، امروز نیست.

این احساس که در بخش بعدی، بیش از حد به واقع و ما حاصل جنگ پرداخته میشود، احساس صادقی است. ولی ما، برای اینکه واقعبینان را از انطور هست، بی نظری خواننده بنهیم، راه دیگری نیافتیم. بهرحال این جاشیرویی، هر چند مقاله را از قالب و قواره خارج کرده است، چندان بی فایده نیست.

هنگامیکه نیروهای متجاوز عراق حمله تعرضی خود را با بیش از ۲۵۰ تانک بر ضد انقلاب و میهن ما آغاز کردند، در سراسر جبهه جنوب، ارتش ایران تنها ۲۸ دستگاه تانک قابل استفاده در اختیار داشت. آرایش دفاعی نیروهای مسلح در استان خوزستان به "همت" استاندار و انصارش بکلی از هم پاشیده بود.

گفتگوی اختصاصی انقلاب اسلامی با رئیس زندانیان کشور
از گرفتن و کشتن قاچاقچیان نتیجه ای عاید نشد
قاچاقچیان را که در گذشته با ۲۰ کیلو مواد مخدر می گرفتیم امروز با ۴۰ کیلو دستگیر میشوند
در صفحه آخر

دشمن ناتوان، پاهو را بمباران و دزفول و آبادان را به توپ بست
در صفحه ۷

دشمن ناتوان، پاهو را بمباران و دزفول و آبادان را به توپ بست
در صفحه ۷

رئیس جمهور: قرارداد الجزایر شامل سه موافقت نامه است که دوم موافقت نامه آن اصلا منتشر نشده است

بگزارش خبرنگاری پارس از دهلینو ژنرال ضیاء الرحمن رئیس جمهور بنگلادش درآورد. یک سو قصد درگذشت. گذشته میشود صبح امروز رئیس جمهور بنگلادش که برای بازدید به بندر "چیتکنگ" واقع در جنوب این کشور رفته بود. خود را از وادی در ۲۷ مارس ۱۹۷۱ ابراه کرد. بعد از آزادی بنگلادش هیئت هشت نفره رسیدگی به جنگ ایران و عراق بود. خبر سو قصد بجان ضیاء الرحمن و درگذشت وی را کل ساد را احراز نمود و نیز خبرگزاری رويتر و فرانسه بعد از تغییر دولت در نوامبر ۱۹۷۵ به معاونت اقتصادی به علاوه بحران نظامی و در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۶ به فرمانداری نظامی رسید. در اولین انتخابات ریاست جمهوری ضیاء الرحمن ۷۲٪ کل آرا به ریاست جمهوری بنگلادش

غیر از استقامت شما ندارم و نمیتوانم هم داشته باشم. آنچه را که من نمیتوانم بشما بگویم، این است که آن رائی را که شما بمن داده اید، و آن اختیارات و مسئولیتهائی را که برعهده من گذاشته اید، از دست نخواهم داد و با استقامت تمام از آزادی، از استقلال و جمهوری اسلامی دفاع خواهم کرد.
ایران امروز در مرحله ای است که دشمن پس از ۹ ماه جنگ از سماه پیش به اینطرف دائم در حال شکست است و شما نیروهای مسلح در این پیروزیها نقش تعیین کننده ای داشته اید جنگ از هر نظر جنگ شرف و عجیب و در تاریخ بشری بیمانند است چرا؟ بدلالی که برای شما میاومد:
اما آمریکا بقول "آقای کیسنجر" که بعد از مراجعت از خاورمیانه در انجمن یهودیان آمریکا نطق کرده است) که گفته است، انقلاب ایران برای آنکه بتواند صادر شود، باید از موانع و مشکلات بسیاری عبور کنند.
آن موانع کدامند؟ و این هفت خوانی که آقای کیسنجر برای ما درست کرده است، کدامند؟ خود ایشان میگوید بحرانهای سیاسی و اقتصادی و منازعات قومی و مذهبی اختلاف مرزی با عراق و تازه اگر اینها را حل بکنند، در خلیج فارس با هر هسایگان خود مشکلات بزرگی خواهد داشت و بر فرض اینکه درحل آن مشکلات هم موفق بشود، زمانی موفق خواهد شد که اسرائیل به همه هدفهای خود رسیده است.
پس از نظر او (کیسنجر) آنچه در کشور ما بصورت جنگهای داخلی درگستان، کنبد، و جاهای دیگر چه در گذشته و چه درحال بروز کرده اند، جزئی از نقشه عمومی آمریکا برای خفه و خاموش کردن انقلاب اسلامی ما در زادگاه این انقلاب یعنی ایران است.
زمانی که گروهگانی پس داده شد، کلمه ای از قطعات بدکی در آن قرارداد بیان نیامد در نتیجه نیروی هوائی ما همچنان از آن قطعات محروم ماند. و این درباره سیاست آمریکا است و اما سیاست کشور های اروپائی:
همه شما کم و بیش میدانید که کشورهای نفت خیز درآمد ارزی جیبی دارند بازاری در حدود یکصد میلیارد دلار در سال است. البته کشورهای صنعتی که در بحران هستند، این بازار عظیم را برای خاطر من و شما، از دست نخواهند داد و وقتی که بخواهند انتخاب بکنند، بجای ما آنها را انتخاب خواهند کرد.
پس، در خارج وضعیت ما خوب نیست قدرتها و ابقرتها همه تق خود را در زبانو ضعف انقلاب مای بیبند اینهم درباره سیاست اروپا اما در منطقه (خاورمیانه):
عراق که بنا حمله کرده است. شیخ نشینهای خلیج فارس هم یا از روی رضایت و یا از روی اجبارا به او کمک میکنند کشورهای عربی هم

غیر از استقامت شما ندارم، تا کام من برآید یاتن رسد به جانان، یاجان زتن برآید بگشای تربیت را بعد از وفات و بنگس کزانتش درونم، دود از کفن برآید برای ما، هیچ دشوار نیست تا با جرحش قلمی و با گردش زبانی از سوز و سازها بگوئیم، و در واقع آنجا که از سوختن و ساختن باید گفت، کمتر کسی به اندازه ما سوخته است و ساخته است. اما چرا ساختیم؟ چه عاملی ما را از گشودن بند هائی که بر خود نهاده ایم - یابارمان جدا کند - و لا جودن روبرویی نهائی با جریان حاکم، باز داشته است؟ و سبب مدارای ما چیست؟ و... چه خواهیم کرد؟

امروز که این پرسشها، بیش از همیشه اذعان را بجانب خود مطوق کرده اند، سکوت و خاموشی زبینه نیست. حالی، مجالی فراهم آمده است و ما، بی آنکه اندیشه پرهیز و بیروا کنیم، به توضیح و بیان واقعیتها خواهیم ایستاد.

اگر سطور بالا، کار مقدمه را کرده باشند، می باید بی درنگ به وضعیت فعلی پرداخت. با اعتقاد است که اساسی ترین مسئله حاضر کشور، مسئله جنگی است که در صفحات غربی و جنوبی ایران جریان دارد. اینکه احوال مصیبت اقتصادی و جو خشونت داخلی، مسئله جنگ را امری ثانوی و فاقد اهمیت تعیین کنندگی جلوه داده است، در این واقعیت که سرنوشت جنگ با سرنوشت ایران و انقلاب پیوند خورد است، تغییری نمیدهد. یا در این جنگ پیروز میشویم و تازه به فوز برداختن به مصائب بیشتر جاری نائل خواهیم آمد و یا شکست میخوریم و آزادی و استقلال و یکپارچگی و تمامیت ارضی میهن و سرنوشت خود و نسل بی اقبال آینده را به تبااهی میکشاییم. اگر خواننده این استنتاج و ارزیابی را موافق نظر خود نمی یابد، لحظه ای تصور کند که خوزستان از دست رفته است. آیا بر ایران منتهای خوزستان - و یا هر استان دیگر - آینده ای، آینده ای با کترین امیدها، منصور است؟

بی شبهه، همه چیز به جنگ بازمیگردد. اما وضعیت جنگ چه بود و چه هست؟ ما به اجبار اندکی به عقب باز خواهیم گشت. توضیح پاره ای از واقعیتها اجتناب ناپذیر است. اما نباید آنرا بحساب همه واقعبینان منظور کرد. آنروز که جنگ خاتمه یابد، ملت ایران خواهد دانست که نیروهای مسلح این جمهوری و فرمانده کل قوا با چه امکانات و با چه خنجر از پشت خود رخنه های جنگ را پنهان کردند. امروز مجال و امکان بیان این حقایق میسر نیست. اما همه روز، امروز نیست.

این احساس که در بخش بعدی، بیش از حد به واقع و ما حاصل جنگ پرداخته میشود، احساس صادقی است. ولی ما، برای اینکه واقعبینان را از انطور هست، بی نظری خواننده بنهیم، راه دیگری نیافتیم. بهرحال این جاشیرویی، هر چند مقاله را از قالب و قواره خارج کرده است، چندان بی فایده نیست.

هنگامیکه نیروهای متجاوز عراق حمله تعرضی خود را با بیش از ۲۵۰ تانک بر ضد انقلاب و میهن ما آغاز کردند، در سراسر جبهه جنوب، ارتش ایران تنها ۲۸ دستگاه تانک قابل استفاده در اختیار داشت. آرایش دفاعی نیروهای مسلح در استان خوزستان به "همت" استاندار و انصارش بکلی از هم پاشیده بود.

